

مَدَامُ اللّٰہِ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ

۱۰۵ - ۱۰۵/۶۵ - ۶۵/۶۵ - ۶۵/۶۵
۱۰۵ - ۱۰۵/۶۵ - ۶۵/۶۵ - ۶۵/۶۵
عربی قواعد

مسئله

قراره از سوال ۸۱ تا ۱۰۰ کنکورمون سوالات عربی باشه که ۹ تا سوال اولش ترجمه است و می‌خوایم تو این جزوه تمام ماجرای ۹ تا سوال رو بگیم. ۴۰ درصد که یعنی میشه از سوال ۸۱ تا ۸۹ که ۶ تای اولش عربی به فارسیه و ۱ دونه‌ی آخرش فارسی به عربی و بهتون یاد میدیم که تکنیک‌هاش هیچ فرقی با هم نمی‌کنن. ۲ تا هم سوال ۴ به ۴ داریم که صورت سوالش یا عین الصحيح و یا عین الخطا هست که ۴ تا جمل هی عربی میاد که جلوش ۴ تا جمله ی فارسی اومده. ۱ تا ۲ تا هم تست لغت معنی داریم. ممکنه ی سوال های ساختاری ترجمه در قواعد هم داشته باشیم.

خب الان وقت یاد گرفتن ۷ تا سوال اول ترجمه و ۱ دونه فارسی به عربیه ...

● ● ● اول ازهمه چک کن ببین «عین خطا» خواسته یا «عین الصحيح» ● ● ●

اگر عین خطا بود:

کاری با صورت سوال نداری و مستقیماً _____ می‌ری تو گزینه‌ها

تضاد پیدا میکنی و به جواب میرسی.

موضوع

مَنْ تَعْرِفَ عَلَى حَقِّهِ الْحَيَاةَ يُضَيِّعْ عَمْرَهُ فِي الْكَسَالَةِ وَالْخُمُولِ: عَيْنُ الْخَطَا:

- (۱) هر آن که واقعیت زندگی را بداند، عمر خود را در کسل بودن و سستی تباه نمی کند.
- (۲) هر کس با حقیقت زندگی آشنا باشد، عمر خویش را در تنبلی و سستی ضایع نمی کند.
- (۳) هر که حقیقت زندگی خود را بشناسد، عمر را در کسالت و تنبلی و سستی ویران نکند.
- (۴) هر کس حقیقت حیات را بشناسد، عمرش را در کسالت و سستی تباه نمی کند.



ترجمه و تعریب عین الصحيح:

بررسی سطحی صورت سوال

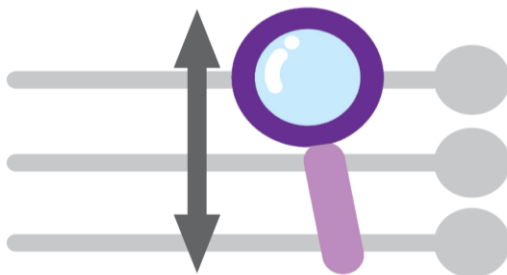
کلید واژه

حذف ۱ یا ۲ گزینه از طریق کلید واژه

بین گزینه‌های باقی مانده تضاد پیدا می‌کنیم ← مجدد از ابتدای جمله بررسی کن.

نتیجه گیری

۱ مطالعه سطحی جمله اصلی و یافتن فعل و ضمیر و... ← حذف ۱ الی ۳ گزینه



۲ اسکن عمودی گزینه‌های باقی‌مانده و بررسی هر گونه تضاد (حتی کم و زیاد ترجمه شدن، مشکلات اعراب تو سوالات فارسی به عربی) یافتن جواب نهایی ←

درس

خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ، إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ :

- (۱) خداوند آسمانها و زمین را به حق خلق کرده است ، همانا در آن خلقت آیتی است مؤمنان را.
- (۲) خداوند آسمانها و زمین را به حق خلق کرده است ، همانا در آن خلقت آیتی است مؤمنان را.
- (۳) خلق کردن آسمانها و زمین ها از جانب خداوند است ، همانا در آن نشانه ای برای مؤمنین است.
- (۴) خلقت کردن آسمانها و زمین ها به حق است ، همانا در آن نشانه ای است برای مؤمنین است.



نکته مرگ



حذف گزینه باید کامل انجام بشه
کامل روی گزینه های خطا رو خط بکش که تو تضاد پیدا کردن به مشکل نخوری.

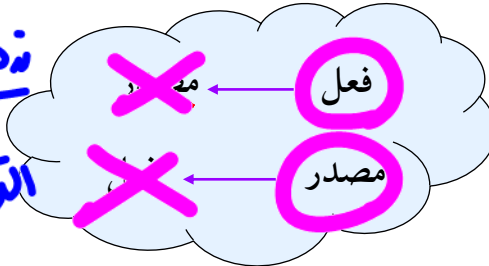
سوالات ۴ به ۴

- | | |
|--------------------------------------|-----|
| اول اینکه ۲ نقطه ها رو به هم وصل کن. | سوم |
| درس یکسان تو ۴ تا گزینه | دوم |
| فعل ضمیر □ وصفی اضافی | اول |

۱

نکات مهم در حل سوالات ترجمه

ذهب به بازار
الذهب به بازار



همه وقت
منوب صورت فعل
ترجمه نکن
مصدر

مگر بر سرش اجبار باشه ← علی ، واجب علی ، یجب علی ، یلزم علی

اجبار بر سر مصدر ← مضارع التزامی

علیک الاحترام ← تو باید احترام بگذاری ~~نکته~~ علینا الذهاب: ما باید برویم



حتی ۱ فعل هم میتونه مصدر رو فعلی ترجمه کنه:

أريد الرجوع: می‌خواهم برگردم

(برونست من سه نو به بودی)

تفاعل: مصدر

من أفضل أعمال الكرم تظاهره بالغفلة عن أخطاء الآخرين:

- ۱) بهترین کارهای انسان به چشم تظاهر کردن به بی‌الایح است در مورد خطای دیگران!
- ۲) از بهترین کارهای انسان کریم تظاهر کردن اوست به عدم اطلاع درباره اشتباهات دیگران!
- ۳) از بهترین اعمال انسان نیک آشنایی به چشم تظاهر کردن است که اشتباهات دیگران را نادیده بگیرد!
- ۴) برترین اعمال شخصی کریم این است که در مورد خطاهای دیگران بی اطلاع جلوه کند!



تظاهر: مصدر) ← حذف گزینه ۳ و ۴ (چون «تظاهر» که مصدر است به صورت فعل ترجمه شده است).
مقایسه و یافتن تضاد بین گزینه‌های ۱ و ۲: (کار یا کارها؟) اعمال = کارها ← گزینه ۲ درست است.

اینها ابراهیم بعد از استغناء با من... قصه دارد بنها ما را متوجه کن

اليوم حاولت أن أعطى ذلك العامل هدية تقلل من تعب عمل:



- (۱) تلاش من امروز این بود که با دادن هدیه‌ای به آن کارگر از سختی کارش بکاهم!
- (۲) امروز تلاش کردم به آن کارگر هدیه‌ای بدهم که از سختی کارش کم کند!
- (۳) امروز سعی نمودم که با دادن هدیه از سختی کار آن کارگر بکاهم!
- (۴) تلاش امروز در دادن هدیه به آن کارگر سختی عمل را کم شد!

نست ۹۲

❧ (حاولت: فعل) ← حذف ۱ و ۴ (چون «حاولت» که فعل است به صفت تبدیل شده است)
❧ تضاد بین ۲ و ۳: «هدیه‌ای بدهم» یا «دادن هدیه؟» ← أعطى
❧ به تضاد دیگه هم داره: (هدیه یا هدیه‌ای؟)

۱- «أدعُ إلى سبيل ربك بالحكمة والموعظة الحسنة وجادلهم بالتي هي أحسن» :

- (۱) به راه پروردگارت با حکمت و موعظه ی نیکو دعوت کن، و با آنان با آنچه نیکوتر است مجادله کن!
- (۲) دعوت به راه خداوند باید با حکمت و موعظه ی پسندیده باشد، و با آنان با هر چه نیکوتر است مجادله کن!

۲- «يحتاج شبابنا إلى نماذج مثالية في العلم والعمل حتى يُهدوا إلى الصِّراط المستقيم ويتعدوا عن الضلالة!» :

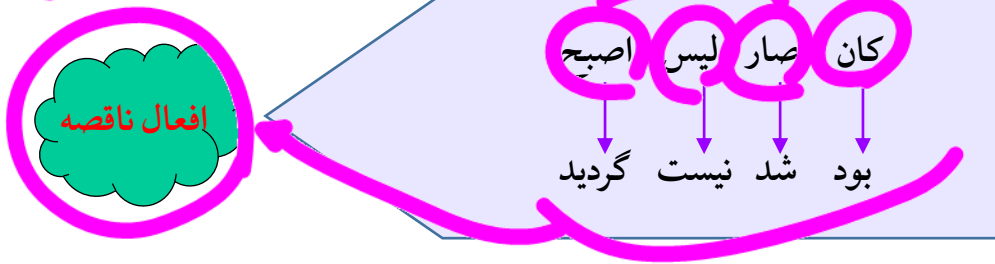
- (۱) ~~اخیچ جوانان ما در علم و عمل به نمونه های برتر است تا راه درست را پیدا کنند و از ضلالت دور بمانند!~~
- (۲) ~~جوانان ما در علم و عمل به نمونه هایی برتر احتیاج دارند تا به راه مستقیم هدایت شوند و از گمراهی دور گردند!~~

۳- «الجمالُ هو أن تزرع وردة في بستان ولكنَّ الأجلَّ منه هو أن نغرس الحُبَّ والصدقَ في قلب انسان» :

- (۱) زیبا آن است که به کاشت گلی در بوستان پردازی ولی زیباتر از آن اینکه دوستی و راستی را در دل یک انسان بکاری.
- (۲) زیبایی آن است که گلی را در بوستانی بکاری ولیکن زیباتر از آن اینست که محبت و صداقت را در قلب انسانی بکاری.

(اسنادی)

جملات اسمیه و فعلیه



حواسمون باشه جمله اسمیه هیچ وقت به شکل فعل معنی نمی‌شه و جمله‌ای که فعل داره هم به صورت اسمیه معنی نمی‌شه جمله اسمیه یعنی «مبتدا و خبر». مثلاً:

أنا تلميذٌ



أنا تلميذٌ = «من دانش‌آموزم»

فعل توش نیست ← اسمیه است

نمی‌تونه ترجمه بشه: «من تحصیل می‌کنم»

أنا أعمل كثيراً



أنا أعمل كثيراً = «من بسیار کار می‌کنم»

یه فعلی داره انجام می‌شه ← فعلیه است

نمی‌تونه ترجمه بشه: «من کارگری هستم»

أنا عاملٌ

(أنا أظهِرُ : من صبر می‌کنم)

(أنا صبرٌ : من صبرم)

نیمگی

مصدر به صورت فعل معنی نشه

مگر این که پشت مصدر، یه اجبار اومده باشه، اونوقت مصدرمون به شکل فعل معنی می شه (فعل مضارع).

مثلاً اگه بخوایم کلمه «انتشار» رو معنی کنیم باید به صورت مصدری (منتشر شدن) ترجمه کنیم حالا اگه کلماتی مثل (واجب علی، یلزم علی، یجب علی، علی) قبل از مصدر اومده باشه به صورت فعلی معنی می شه. (فعل مضارع)

مثال: علینا الانتشار = باید منتشر کنیم. (علی + نا = علینا)

هیط الإنسان علی...

ولی فعل هیچ وقت نمی تونه به شکل مصدر معنا بشه: ♥️ فرود آمدن انسان (غلط)

👉 انسان فرود آمد بر (درست)



مصدر ≠ فعل

اجبار 🖐️ (واجب، یلزم علی، یجب علی، علی) + مصدر = فعل (مضارع)

فعل ≠ مصدر

۴- «يقول الأستاذ قول الفصل و يوصينا أن نجانب من يهزل!» :

(۱) سخن استاد حق است و به ما توصیه می کند که از کسانی که شوخی می کنند پرهیز نماییم!

(۲) استاد سخن حق می گوید و به ما سفارش می کند که از کسی که شوخی می کند، دوری کنیم!

۵- «الاستفادة من الجوّال ليست مسموحة في حصّة الإمتحان!» :

(۱) استفاده از تلفن همراه در جلسه ی امتحان مجاز نیست!

(۲) به کار بردن گوشی همراه در جلسات امتحان منعی ندارد!

فعل

می‌رسیم به یکی از قشنگ‌ترین نکات ترجمه می‌خوایم با «کان» آشنا بشیم. قبل از این‌که نکته ترجمه‌اش رو بخونیم یه دوره‌ای روی زمان فعل در فارسی داشته باشیم.

ماضی استمراری: کاری بود که از گذشته شروع می‌شد تا الان ادامه داشت.

گذشته ← الان ماضی استمراری

ماضی بعید: کاری که از گذشته شروع شده همون گذشته هم تموم شده

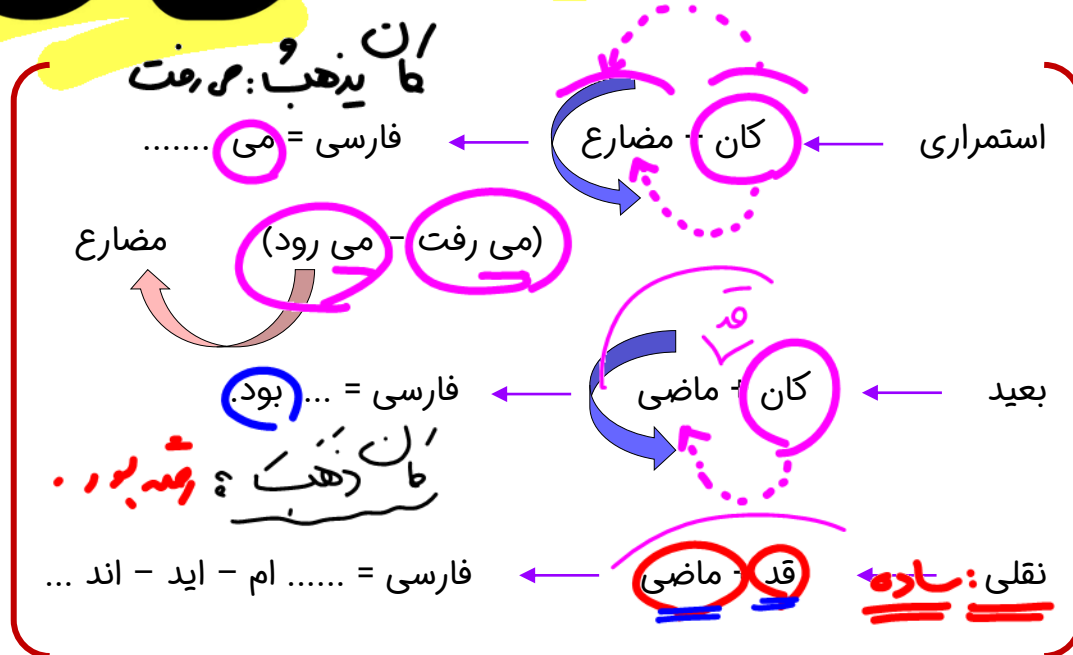
گذشته ← گذشته ماضی بعید

حالا بریم سراغ کان

«کان» کارش اینه که زمان رو می‌کشه عقب (مثل آهنربا)

کان

کان زمان رو میکشه عقب (مثل آهنربا)



قد + ماضی می تونه بیاد / می تونه نیاد ← ذهب = قد ذهب

قد کوچولوئه، نخودیه!
می تونه بیاد می تونه نیاد



الان (مضارع) | دیروز (ماضی)
 جاری : می‌رود | فرستاد / فرستاده / فرستاد / فرستاده
 ۷ بود | افتاد / افتاده / افتاد / افتاده
 ۱۰

• كَانَ الْمُهَنْدِسُونَ يُقْبِلُونَ عَلَى شِرَاءِ الدِّينَامَيْتِ: ... مهندسان قبله را می خریدند ... بخونه.

• الطَّالِبُ كَانَ يَمْتَنِعُ عَنِ النَّوْمِ: ... خودداری خواب ...

• كَانَ يَنْظُرُ هَشَامٌ إِلَى النَّاسِ وَمَعَهُ جَمَاعَةٌ:

• لَا أَظُنُّ أَنَّ هُنَاكَ كُتُبًا مَكْرَرَةً: ... مغذی شده ...

• گمان نمی کردم آنجا کتاب های تکراری است.

• گمان نمیکنم کتاب های تکراری وجود داشته باشد.

• كَانَ النَّبِيُّ يَتَعَبَدُ فِي قَمَّةِ غَارٍ حَرًّا: پیامبر در غار حرا

• كَانَ قَدْ سَتَرَ عَلَى وَجْهِهِ: ... پنهان شده بود ...

• كَانَ يَجْلِسُ عَلَى الْأَرْضِ: ... نهیست ...

• كَانُوا يَعَامِلُونَ جَيِّدًا: ... به خوبی رفتار می کردند ...

• كَانُوا يَحْفَظُونَ دَرَسَهُمْ:

• هُمْ يَتَقَرَّبُونَ إِلَى الْخَيْرَاتِ:

• حِينَمَا ارَى النَّاسَ يَذْهَبُونَ إِلَى الْحَجِّ ، تَمَرُّ أَمَامِي ذِكْرِيَاتِي :

- وقتی مردم را می بینم که به حج می روند خاطراتم از برابرم می گذرند.

- وقتی مردم را دیدم که به حج می روند خاطرات از برابرم می گذرند.

• ما إِسْتَطَاعَتْ أُسْرَتُهُ أَنْ تُرْسَلَهُ إِلَى الْقَاهِرَةِ لِتَكْمِيلِ دَرَاكَةِ : ... است ...

• خانواده اش نتوانست که برای تکمیل تحصیلش او را به قاهره بفرستد.

• خانواده اش نمی تواند برای تکمیل تحصیل او را به قاهره بفرستد.

• أَشْهَادٌ قَاسِمًا وَهُوَ جَالِسٌ بَيْنَ الشَّجَرَتَيْنِ:

- قاسم را می بینم ، در حالیکه میان دو درخت نشسته است.

- قاسم را دیدم ، که میان دو درخت نشسته بود.

جلس : نشست
اجلس : نشاند
جالس : هم نشینند

لما حل : حل شد
لما عامل : می گذرند
لما تعامل : معاشرت

السنن والاعراض

(روایات صحیحین در فضیلت بلخ)

• ازدادت هذه الخرافات في أديان الناس على مر العصور:

- ۱- این خرافات در دین مردم در زمان های مختلف زیاد می شود.
- ۲- این خرافات در دین های مردم در گذر زمان افزایش یافت.

• أنتم ما ذكرتم صديقكم:

• هم لا يستغفرون:

• هي ما استغفرت:

٦- إن ذهبنا من نفس الطريق الذي كنّا نذهب منه من قبل .. وصلنا إلى ذلك المكان الذي كنّا نصل إليه دائما:

(١) اگر از راهی رفتیم که قبلا رفته بودیم به همان محلی که دائما می رسیدیم رسیده ایم.

(٢) اگر از همان راهی برویم که از قبل میرفتیم به همان مکانی می رسیم که همیشه می رسیدیم.

٧- كان ذلك العالم يُمضى وقاته بالمطالعة و الدراسة و لا يتعد عن النشاط لحظة على رغم الظروف القاسية! :

(١) آن دانشمند اوقات خود را به مطالعه و تحقیق می گذراند و با وجود شرایط سخت لحظه ای از فعالیت دور نمی شد.

(٢) آن عالم اوقاتش را در مطالعه و پژوهش می گذراند در حالیکه علی رغم شرایط سختش حتی یک لحظه از کار دور نمی شود.

١- جنوه (آبِ حلال) - همدنب ستر و فر داشت دم در خون

digitalalavi.com

نیت میزیم

نست ماری

کتاب

میزیم

آمین

نَدَبِ نین (منیا، وانض)

مهر ۳۰

Mohammad vaezi_1